

معارف اسلامی و حقوق سال نهم، شماره اول- بهار و تابستان ۱۳۸۷، صص ۶۷- ۹۸

تفاوت تقصیر در مسئولیت قراردادی و مسئولیت خارج قرارداد؛ مطالعه تطبیقی در فقه امامیه، حقوق ایران و فرانسه

سید علی هاشمی*

تاریخ دریافت: ۸۶/۰۹/۰۵

تاریخ پذیرش: ۸۶/۱۱/۱۹

چکیده

یکی از تفاوت‌هایی که بین دو مسئولیت قراردادی و مسئولیت خارج قرارداد مطرح شده است، مساله تقصیر است. این تفاوت هم از جهت نظری و هم از جهت علمی دارای اهمیت و در عین حال پیچیدگی خاصی است. گاه تقصیر را در معنای فعل ضرری می‌آورند، البته در برخی از انواع مسئولیت‌ها، تقصیر جز ارتکاب فعل ضرری نامشروع، دارای مفهوم دیگری نیست. این تفاوت در دو زمینه مطرح شده است؛ اول به لحاظ ماهوی و دوم شکلی، البته در حقوق ایران بررسی تقصیر با آنچه در فرانسه است، متفاوت است؛ زیرا اصولاً برخی آن را در فقه و حقوق ایران معتبر نمی‌دانند. در این مقاله سعی بر آن است تا تقصیر را در مسئولیت قراردادی و خارج قرارداد در حقوق فرانسه و سپس فقه و حقوق ایران از جهت مفهوم و شکل مورد مقایسه و مطالعه قرار دهیم.

واژگان کلیدی

تقصیر، مسئولیت قراردادی، مسئولیت خارج از قرارداد

* دانش آموخته دکتری حقوق خصوصی دانشگاه امام صادق (علیه السلام) و عضو هیأت علمی

hashemie.ahmadali@gmail.com

دانشگاه پیام نور مشهد

۱- در حقوق فرانسه

می‌دانیم که در فرانسه، تقصیر ریشه و پیشینه تاریخی درازی دارد و بر اساس نظریه سنتی در فرانسه وارد کننده خسارت وقتی مسؤول است که مرتکب تقصیر شده باشد؛ در ابتدا در مورد ملاک تقصیر، آن را تخطی از رفتار انسان اخلاقی می‌دانستند و زمانی شخص را مسؤول می‌شمردند که از نظر اخلاقی قابل سرزنش باشد و در غیر این صورت، مسؤولیتی نیز نبود. (Le tourneau, 2001-2, p. 30)

لیکن به تدریج تقصیر از معنای اخلاقی خود خارج شد و به معنای اجتماعی و نوعی متمایل گشت و ملاک تقصیر، رفتار یک انسان معقول و متعارف در جامعه شد، البته تقصیر به معنای سنتی آن هنوز طرف‌دارانی دارد. (Mazeaud, 1985, pp. 430-419)

نظرات مختلفی در خصوص مقایسه «فعل ضرری» شخصی در ایجاد مسؤولیت، در زمینه مسؤولیت قراردادی و قهری مطرح شده است. برخی معتقدند که مسؤولیت قراردادی، جز با تقصیر سنگین ایجاد نمی‌شود؛ در حالی که در مسؤولیت قهری، تقصیر سبک نیز کافی است. (Viney, 1995, p. 282)

گروهی معتقدند در مسؤولیت قراردادی تقصیر مفروض است و با یک فعل یا ترک فعل ساده تحقق می‌یابد، در حالی که در مسؤولیت قهری اثبات تقصیر لازم است و در واقع از لحاظ بار اثبات آن دو را متفاوت می‌دانند. (Mazeaud, 1960, p. 1)

برخی نیز اصولاً مفهوم «تقصیر» در مسؤولیت قراردادی و خارج از قرارداد را متفاوت می‌دانند. با توجه به اختلاف نظر و دیدگاه، مسأله را در دو زمینه مفهوم و شکل بررسی می‌کنیم.

۱-۱ تفاوت در مفهوم تقصیر

تقصیر در موارد ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳ قانون مدنی فرانسه به عنوان عنصر مسؤولیت قهری، شناخته شده است، لیکن در مسؤولیت قراردادی به عنوان یک مفهوم خارج از مسؤولیت در موارد ۱۱۴۶ ق.م تا ۱۱۵۵ ق.م آورده شده است.

با وجود این در تفسیر آراء قضایی و آثار نظری حقوق دانان فرانسه، ملاحظه می‌گردد که گاهی «تقصیر» در مسئولیت قراردادی نیز از شروط تشکیل دهنده آن است. (Le Tourneau, et Cadiet, 2002, p.3) در مسئولیت‌هایی نظیر مسئولیت پزشک، وکیل، مهندس و فروشنده در برابر مشتری و تولید کننده در برابر خریداران تقصیر تحت عناوین بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی، عدم مهارت، تدلیس و... مطرح می‌شود که از لحاظ مفهوم بسیار شبیه تقصیر در موارد ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳ قانون مدنی فرانسه است. (Maurie, et Aynés, 2000, p.112)^۱ در ادامه به بررسی تفاوت ماهوی مطرح شده بین دو مسئولیت در تقصیر می‌پردازیم.

الف- طرح تفاوت

می‌دانیم «مارسل پلانیول» تقصیر را «نقض تعهد پیشین» تعریف نموده است. (Ripert, 1956, p.302) بر این اساس تفاوتی در تعهد ناشی از قانون یا قواعد عام یا تعهدات قراردادی وجود ندارد و این تعریف بر هر دو صادق است، زیرا تفاوت نمی‌کند که ریشه تعهد چیست، بلکه مهم این است که آن تعهد، نقض شده است. نویسندگانی که این تعریف را توضیح داده‌اند، مفهوم تقصیر در هر دو مسئولیت را یکی دانسته‌اند، زیرا مفهوم تقصیر نقض تعهد قبلی است و همین نقض تعهد منشأ و مبنای مسئولیت است، حال چه تعهد قانونی و چه قراردادی باشد.

اما قائلین به تفاوت بین دو مسئولیت، بر این تعریف اشکالات فراوانی وارد کرده‌اند که در این جا تنها به برخی از آن‌ها که در واقع نوعی طرح تفاوت در مفهوم تقصیر بین دو مسئولیت نیز هست، اشاره می‌کنیم: ایشان معتقدند هدف قرارداد ایجاد قواعد عام رفتاری نیست، بلکه آن کس که قرارداد می‌بندد هدف خاص مورد نظر خود را دنبال می‌کند و می‌خواهد از فواید یک قرارداد استفاده کند و همچنین ایجاد یک تعهد برای بهره‌بری از آثار آن است و به طور طبیعی تعهدات قراردادی هیچ هدفی در زمینه هنجاری و قواعد عام اخلاقی ندارند؛ به طور مثال فروشنده‌ای که ملزم به تحویل کالا است، هرگز یک قاعده عام رفتاری را مورد نظر ندارد، بلکه

صرفاً یک تعهد خاص در برابر فرد یا گروهی را دنبال می‌کند، لیکن در مسئولیت قهری «قواعد عام» یا فرض‌های عام رفتاری که با نوعی عمومیت، همراه است، حاکم است. در مسئولیت قراردادی وفق ماده ۱۱۶۵ قانون مدنی فرانسه اصولاً تعهدات اصلی قرارداد مربوط به طرفین است و تنها ایشان را ملزم می‌کند و این تعهدات هیچ شباهتی با قواعد عام و نرم‌های رفتاری ندارد و بنابراین تقصیر نیز در معنی و مفهوم متفاوت می‌گردد، زیرا در یکی تقصیر شکستن نرم‌های کلی و قواعد عام است، در حالی که در دیگری تقصیر مفهوم خاص و موضوع خاصی دارد که با تقصیر قهری قابل مقایسه نیست، بنابراین از لحاظ مفهوم این دو تقصیر یکی نیستند. (Mazeaud(H,J et L.), 1985, pp. 427 - 459) به عبارت دیگر، در مسئولیت قهری تقصیر عبارت است، از نقض یک تعهد عام مبنی بر احتیاط و مراقبت (به طور معمول تعهد به وسیله) لیکن مسئولیت قراردادی نقض یک تعهد خاص است (به طور معمول تعهد به نتیجه) و متعهد له باید ثابت کند که در این تعهد هدف و مقصود به دست نیامده است. (Viney, 1989, p. 284)

برخی دیگر نیز بر تعریف پلانیول اشکالی را به شرح زیر مطرح کرده‌اند: در مسئولیت قهری قبل از فعل نامشروع بین متضرر و عامل ضرر هنوز تعهدی ایجاد نشده، زیرا تعهد در معنای دقیق، رابطه قانونی بین دائن و مدیون است و این رابطه قبل از فعل نامشروع، وجود ندارد، بلکه این رابطه تنها پس از ارتکاب فعل پدید می‌آید. پس نمی‌توان در مسئولیت قهری گفت تقصیر نقض تعهد پیشین است، زیرا تا تعهدی موجود نباشد، نقضی نیز وجود ندارد. (کاتوزیان، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۹۳)

ب - نقد و بررسی

در بررسی این تفاوت باید گفت با اجتماعی شدن مفهوم تقصیر بسیاری از افراد که در سرزمین اخلاق انسان‌های مقصر محسوب نمی‌شدند؛ مثل کارفرمایان، مجانین و صغار، ملزم به جبران خسارت می‌شوند، زیرا در این معنا تقصیر، به معنای رفتار خلاف سلوک و عمل انسان متعارف است. در واقع همان‌طور که طبیعت برای قد و قامت اشخاص سالم حدودی قائل شده است و اگر کسی آن

استانداردها را نداشته باشد، ناقص و معیوب است، همان‌طور برای رفتار متعارف، قواعدی را به طور صریح یا ضمنی مشخص می‌کند که تجاوز از آن‌ها تقصیر است. (ژان ژاک روسو، ۱۳۴۷، ج ۵، ص ۸۹) بنابراین، معیار، انسان متعارف است، بدون این‌که به حالات روانی یا ضعف یا هوشیاری فاعل کاری داشته باشیم و به همین جهت معیار نوعی، ارجح بر معیار شخصی است. (سنهوری، ۱۹۷۵، ج ۱، ص ۷۸۰) انسان متعارف یعنی شخصی که مثل بیشتر مردم است، نه به طور خارق‌العاده و هوشیار یا نابغه و نه شخصی کودن و احمق؛ به عبارت دیگر مثل پدر خوب خانواده (Bon père de famille) این معیاری است که از شخصی به شخص دیگر تفاوت نمی‌کند و معیاری اجتماعی است.

با توجه به آنچه گفته شد می‌توان گفت همان‌طور که در مسئولیت قراردادی نقض عهد، تقصیر یا اماره بر تقصیر است و به حسن نیت یا سوء نیت فرد توجهی نمی‌شود، در مسئولیت قهری نیز شایسته و غیر شایسته بودن فعل مهم نیست و هدف داوری و اظهار نظر در مورد خوبی و بدی رفتار اشخاص نیست، بلکه هدف، جبران خسارت است. (Mazeaud, 1985, p. 421)

بنابراین، با تعریفی که امروزه از تقصیر می‌شود (عدول از رفتار انسان متعارف)، بین دو مسئولیت از حیث مفهوم تفاوتی نیست؛ زیرا هم‌چنان که مسامحه و اهمال و بی‌احتیاطی خلاف رفتار انسان متعارف است؛ نقض عهد نیز عملی است که از یک انسان متعارف سر نمی‌زند. بنابراین، می‌توان گفت تقصیر در هر دو مسئولیت یکسان است و آن عبارت است از عمل خلاف رفتار انسان متعارف (سنهوری، ۱۹۷۵، ص ۷۸۳)

۲-۱-۱- تفاوت شکلی تقصیر

الف- طرح تفاوت

بعضی گفته‌اند میزان شدت تقصیر در مسئولیت قراردادی متغیر است، در حالی که در مسئولیت قهری ثابت است. بر اساس اصل آزادی قراردادی (با رعایت نظم عمومی و اخلاق حسنه)، طرفین برای خود ایجاد تعهد کنند و این اصل به

طرفین اجازه می‌دهد که قدرت و ارزش تعهد خود را تعیین کنند و این اختیار در مورد عدم اجرای قرارداد (تقصیر قراردادی) اثر می‌گذارد؛ بنابراین هرگاه یکی از طرفین، برای عدم اجرای قرارداد ضمانت اجرای محکم‌تری وضع کند و یا او را به طور مطلق و عینی مسئول قرار دهد، در صورت تخلف جایی برای توجیه متعهد باقی نمی‌ماند و گفته می‌شود تعهد مطلق است، همچنین اگر مسئولیت مدنی حتی با وجود «قوة قاهره» نیز منتفی نگردد، مسئولیت عینی خواهد بود؛ در حالی که در مسئولیت قهری چنین مسئولیت‌هایی را نمی‌توان به وجود آورد. (Viney, 1998, p.545) از روی دیگر در مسئولیت قراردادی منافع خاص طرفین قرارداد از آن‌ها چه در برابر طرف دیگر و چه در برابر دادگاه حمایت می‌کند، زیرا مبتنی بر اراده خود طرفین است؛ البته در موارد زیادی قانون‌گذار خود تعهداتی را (خصوصاً تعهدات حرفه‌ای) جهت حمایت از متعهد له، ایجاد می‌کند، ولی این مانع از این نیست که طرفین خود ضمانت اجرای عدم انجام تعهد را تعیین کنند (V. Frossard, 1965, p.2).

بنابراین، در مسئولیت قراردادی، تقصیر آن چیزی است که طرفین آن را تعیین می‌کنند و میزان شدت و ضعف آن در اختیار اراده طرفین است، در حالی که در مسئولیت خارج از قرارداد، مفهومی نوعی، مجرد، روشن و عام دارد که برای همگان یکسان است و این تفاوت در شکل تقصیر در مسئولیت قراردادی و قهری است. (Mazeaud. Rev. Trim. Dr. Civ.)

رویه قضایی فرانسه نیز این توافقات را محترم شمرده و در واقع تقصیر قراردادی را با توجه به اراده طرفین تفسیر کرده است. (Com. 30 juin 1992. Bull. Civ. IV, n.238, p.179)^۲

ب - نقد و بررسی تفاوت

آنچه مطرح شد شاید در عالم نظر صحیح باشد، ولی در عمل وضع به گونه‌ای دیگر است؛ امروزه قواعد امری به شدت بر قراردادها تحمیل می‌شود و چه بسا خارج از توافقات قراردادی، متعهد را ملزم به جبران خسارت می‌نمایند.

حرکتی که از قرن بیستم تحت عنوان «تعهدات تبعی» آغاز شده، اصولاً قراردادهای الحاقی و یا تعهدات ایمنی که ابتدا در فرانسه تنها در خصوص حمل و نقل مطرح شد را گسترش داده است، این حرکت اگرچه باعث عکس العمل‌ها و مخالفت‌هایی شد، لیکن باعث شد که امروزه قرارداد منبع منحصر به فرد و بلا منازع تعهدات نباشد. (Viney 1989, n. 428-513)

از روی دیگر در جبران خسارت، هر کجا که زیان‌دیده در مسئولیت قراردادی نتواند از قرارداد جهت جبران خسارت استفاده کند، رویه قضایی فرانسه خلاء حاصله را توسط مسئولیت قهری پر می‌کند. (Civ. 2^e. 16 mars 1984. Bull. n.86, Civ. II. این جایگزینی اصول مسئولیت قهری به جای مسئولیت قراردادی، در جهت حمایت از زیان‌دیده، به روشنی اثبات می‌کند که این صرفاً قرارداد نیست که از افراد حمایت می‌کند؛ بلکه حتی در روابط بین متعاقدين، گاه قواعد مسئولیت قهری به طور خودکار وارد عمل شده و از زیان‌دیده حمایت می‌کند. (V. Groutel(H.), 1990. n° 16, cité par Le tourneau 2000. n°s 35 et 36 در مورد تعهد به «اطلاع‌رسانی» یا «مشاوره» در تعهدات حرفه‌ای نیز جاری است. در فرانسه می‌توان به آراء متعددی اشاره کرد که در آن نه تنها طرفین قرارداد، بلکه اشخاص ثالث را مستحق جبران خسارت با استفاده از اصول مسئولیت قهری دانسته است. (Civ. 1^{re}, 22 mai 1991, cité par Le tourneau, 2000, p.37).

به طور مثال هرگاه به لحاظ نقص و عدم اطلاعات کافی، زیانی متوجه طرف قرارداد یا شخص ثالث شود که بتوان هم بر اساس مسئولیت قراردادی و هم مسئولیت قهری طرح دعوی کرد، رویه قضایی فرانسه پذیرفته که بر اساس مسئولیت قهری می‌توان طرح دعوی کرد؛ زیرا به لحاظ بار اثبات بسیار ساده‌تر است. (Viney, 1989, n.474)

از موارد دیگری که نشان‌دهنده پیوند برخی تعهدات فرعی به قراردادهاست، تعهد به «وفاداری و صداقت» است که بر این اساس شخص ملزم به عدم رقابت ناسالم در معاملاتی است که ماهیت قراردادی دارد و این تکلیف عام بر صداقت و

عدم به کار بردن حيله بر اساس مسؤوليت قهری قابل پی گیری است. (Crépeau, 1989, cité par Viney, 1985., n.474)

البته درست است که قرارداد اثر مستقیم بر ماهیت تعهدات دارد و طرفین می توانند آن را تشدید نمایند (و در واقع تقصیر را گسترش دهند) و یا از آن بکاهند و به طور کلی قرارداد وفق توافق طرفین و بر اساس نظر آنان شکل گرفته و ضمانت اجرای آن نیز توسط طرفین تنظیم می گردد، لیکن نباید این طور تلقی نمود که تعهدات قراردادی تنها منبع خود را از قراردادها می گیرند، بلکه امروزه قواعد آمره تأثیر زیادی بر قراردادها گذارده است و بنابراین شباهت زیادی بین عدم اجرای قرارداد و تقصیر قهری به وجود آمده است.

از طرفی، اگرچه طرفین قرارداد می توانند قدرت و شدت تعهدات خود را تعیین کنند؛ لیکن در بسیاری از موارد این کار را نمی کنند و در اختلافات، قاضی است که باید قدرت و میزان آن را معین کند و او نیز صرفاً به اراده طرفین توجه ندارد، بلکه از قواعد عام مربوط به قراردادها بهره می برد و گاه ممکن است آثار آن (در عین حال که مد نظر طرفین نبوده است) بسیار سنگین تر باشد؛ به طور مثال تولیدکنندگان یا سازندگان و فروشندگان کالای معیوب و یا متصدیان حمل و نقل تعهداتی بسی سنگین تر از مفاد قرارداد دارند. (V, Civ. 3^e 26 avril 1983. Bull. Civ. (III. N.90 p 71 cité par Le tourneau, 2000. , n^{os} 35 et 36.

البته اگر بخواهیم با سعه صدر بیشتری عمل کنیم و برای متعهد آزادی عمل بیشتری قرار دهیم؛ در همین حال نیز می توان عدم اجرای قرارداد را با یک ویژگی عام نوعی توصیف کرد و آن را مشابه تقصیر در مسؤولیت قهری دانست و همان ملاک رفتار «پدر خوب خانواده» را می توان در هر دو جاری دانست. (Durry, 1989, n.479, cité par viney, 1985. n. 100 à 108)

در نتیجه می توان گفت، تقصیر قراردادی و تقصیر قهری دو مفهومی است که باید با یکدیگر درک و شناخته شوند، زیرا هر یک دیگری را تکمیل می کنند. در واقع تعهد قراردادی در مواردی که دارای ضمانت اجرای مشخص نیست، به نفع

متعهد له تفسیر می‌شود و می‌توان آن را به صورت نوعی، با رفتار یک انسان متعارف و بر اساس یک قاعده عام سنجید و در این زمینه با مسئولیت قهری مشترک می‌شود؛ به عبارت دیگر در کنار عدم اجرای قرارداد در معنای خاص و مضیق، تعهداتی به وجود آمده که اگرچه با قرارداد مرتبط است، لیکن چه از جهت قانون‌گذار و چه از جهت ماهیت، می‌تواند از قرارداد تفکیک شود و بر اساس وصف تقصیر قهری مورد ارزیابی قرار گیرد و می‌توان از قواعد و ضوابط هر یک در دیگری استفاده کرد و این نشان‌دهنده نزدیکی تقصیر قراردادی به تقصیر قهری است (Huet. cité par Le tourneau 2000, n.26)

۲-۱- تقصیر در فقه و حقوق ایران

در فقه در معنای اصطلاحی، تقصیر^۳ به معانی گوناگونی آمده است، لیکن در معنای مورد نظر ما تقصیر به عنوان مبنای ضمان در موارد معین و مذکور در کتاب دیات و غصب استعمال شده است. (الموسوی الخویی، ج ۲، ص ۳۲۱ و مطهری، ص ۵۸)

برخی فقهاء عنوان تقصیر را مفهومی جامع و اعم از تعدی و تفریط دانسته‌اند. (المراغی الحسینی، ص ۳۲۵)^۴ ضابطه تعدی و تفریط و تشخیص آن در قانون و فقه، عرف است و هر کس برخلاف متعارف عمل کند، ضامن است. (الموسوی الخمینی، ص ۵۶۷)

همچنین برخی گفته‌اند: «تقصیر تجاوز از رفتاری است که انسانی متعارف در همان شرایط وقوع حادثه دارد.» ایشان می‌افزایند: «برای تمیز تقصیر، باید کاری را که انجام شده است با رفتار انسانی عادی مقایسه کرد، منت‌ها نه به طور نوعی، بلکه در شرایطی که حادثه رخ داده است، البته مقصود از شرایط نیز شرایط خارجی است، نه داخلی.»^۵

با این مقدمه، باید گفت برخلاف حقوق فرانسه که تقصیر در آن ریشه و پایگاه محکمی دارد، در فقه امامیه تقصیر به عنوان مبنای مسئولیت متزلزل است. حال چند مطلب در بحث ما حائز اهمیت است، اول این که آیا اصولاً تقصیر در فقه

ما به عنوان مبنا یا حداقل یکی از عناصر تشکیل مسئولیت، معتبر است یا خیر، و ثانیاً در صورت اعتبار تقصیر چه نقشی در تفکیک بین مسئولیت قراردادی و قهری دارد. بنابراین در ادامه در دو قسمت به شرح مطلب می‌پردازیم:

۱-۲-۱- قائلین به اعتبار تقصیر

برخی معتقدند مسئولیت مدنی در فقه و حقوق ایران زمانی تحقق پیدا می‌کند که به یک شخص، خواه حقیقی یا حقوقی زیان وارد شود که بر اساس تقصیر باشد، تقصیر در محدوده قراردادهای را تقصیر قراردادی و تقصیر در قلمرو الزامات بدون قرارداد را تقصیر مدنی یا تقصیر غیر قراردادی می‌نامند و به نظر ایشان در تقصیر قراردادی به نوع قرارداد و شرایط ویژه آن توجه می‌شود و اثبات آن نیز به مراتب آسان‌تر از تقصیر غیر قراردادی است. برعکس اثبات تقصیر بدون قرارداد به مراتب مشکل‌تر است. (درویان، ۱۳۶۶-۱۳۶۵، ص ۱۳)

در ادامه ابتدا نظرات فقهاء و سپس حقوق‌دانان را مطالعه می‌کنیم:

الف- نظر فقها

برخی معتقدند ملاک در ضمان و عدم آن تقصیر و عدم آن است. (خویی، ص ۲۴۹ و مطهری، ۱۴۰۱، ص ۲۴۷)^۶ ایشان در مورد مسئولیت صاحبان حیوان که حضرت علی علیه السلام آن‌ها را در شب ضامن می‌دانستند، لیکن در روز ضامن نمی‌دانسته‌اند، گفته‌اند مبنا و اساس این تفصیل مربوط به تقصیری که مالک زراعت در روز نسبت به زراعت خویش روا می‌دارد، زیرا او موظف است که مزرعه خویش را از آفات و هجوم حیوانات نگهداری کند، پس کوتاهی در این (تفریط) موجب عدم مسئولیت صاحب حیوان است؛ زیرا او در نگهداری حیوان (تفریط) نکرده است.

صاحب عناوین می‌نویسد: «بحث در تعدی و تفریط است، و فقها در این باب کلام منقحی ندارند و ظاهراً تعدی؛ یعنی انجام آنچه باید ترک شود و تفریط؛ یعنی ترک آنچه باید انجام شود و مراد از آن دو تقصیر است، خواه آنچه را باید

انجام دهد، ترک کند یا آنچه را که نباید انجام دهد، به جا آورد...» (الحسینی المرآعی، ۱۴۱۸، ص ۳۲۵)

گروهی دیگر از فقها به روشنی تعدی عرفی را علت تحقق ضمان در انداختن پوست خربزه و هندوانه و موز در مسیر و راه عبور مردم دانسته‌اند و آن را اضرار عرفی معرفی کرده‌اند (یعنی به گفته ایشان عرف، مرتکب چنین فعلی را مقصر می‌داند) بنابراین، اگر عملی عرفاً قابل احتراز نباشد و برحسب تصادف، و اتفاق ضرری بر آن مترتب گردد، مسئولیتی به دنبال نخواهد داشت. (الموسوی الخمینی، بی تا، ص ۵۶۶ مسأله ۹؛ مکی العاملی، بی تا، ص ۴۵)

به مثال‌های دیگری نیز در فقه می‌توان اشاره کرد که در آن‌ها تقصیر دارای نقش است.^۷

ب- نقد و بررسی

آیا از این روایات می‌توان استنباط کرد که در مسئولیت قراردادی و قهری تقصیر مبناست؛ به نظر می‌رسد چنین استنباطی صحیح نباشد، زیرا همان‌گونه که در ضمان قهری، اتلاف به مباشرت موجب مسئولیت عامل زیان است و تقصیر او شرط مسئولیت نیست، در مسئولیت قراردادی نیز سخن از اتلاف در رابطه سببیت مطرح است. فقها عموماً در کنار روایات خاص درباره ضمان اجیر و غیره و حتی قبل از استناد به روایات، قاعده اتلاف را دلیل مسئولیت دانسته‌اند.^۹ (کرکی، ۱۴۱۴، ص ۲۶۷)

از اطلاق این حدیث و مانند آن در زمینه پزشک و بیطار بر می‌آید که متعهد ضامن است، زیرا عمل او مصداق اتلاف است.

نظر دیگری که از فقه بر می‌آید، این است که در فقه اسلامی و قانون مدنی نظریه خطر پذیرفته شده است، به طور مثال مسئولیت مدنی صغیر (اعم از ممیز و غیر ممیز) و مجنون، بدون تفکیک بین اتلاف به مباشرت و اتلاف به تسبیب، مورد قبول قرار گرفته است. به خصوص این که در احکام وضعی مثل موارث و دیات و

ضمان اثر ناشی از غصب و اتلاف (به معنای عام که شامل تسبیب هم خواهد شد) بلوغ و عقل شرط نیست. (الحسینی المراغی، ۱۴۱۸، عنوان ۸۲، ص ۳۸۰)^{۱۰}

فقیه بزرگ دیگری، مسئولیت پزشک را از باب اتلاف می‌داند و معتقد است که اگر طبیب صرفاً آمر باشد، در ضمان او جای اشکال است، مگر آن‌که سبب اقوی از مباشر باشد. (طباطبایی یزدی، بی‌تا، ص ۶۰۲)

بنابراین، چنان‌چه اجیر در دوختن لباس یا شست‌وشو یا برش آن، آسیبی به لباس یا پارچه وارد آورد، ضامن است، و به طور کلی هر که خویشتن را برای انجام دادن کاری بر روی مال دیگری به اجاره درآورد، چنان‌چه موجب آسیب شود، اگر از اندازه‌ای که به وی اذن داده شده تجاوز کند، هرچند که بدون قصد باشد، ضامن است. دلیل نیز عموم قاعده اتلاف است. (طباطبایی یزدی، بی‌تا، ص ۶۰۲)^{۱۱}

ب - حقوق دانان

برخی حقوق دانان ایران معتقدند، در مسئولیت قراردادی مثل مسئولیت قهری تقصیر شرط است و در صورتی متعهد مسئول زیان قلمداد می‌گردد که در ایراد خسارت، تقصیر کرده باشد. ایشان معتقدند در مسئولیت قراردادی نیز هرگاه عدم انجام تعهد در اثر تقصیر متعهد باشد و خسارتی متعهد له شده باشد، وی مسئول خسارات خواهد بود. (امامی، ۱۳۵۱، ج ۳، ص ۱۳۴)

برخی می‌گویند:

«تحلیل حقوقی نقش تقصیر، در مسئولیت نشان می‌دهد که تقصیر دارای مبنای مشترک است؛ نقض عهد اگر به عمد یا آمیخته با تقصیر باشد، از دیدگاه قانون‌گذار خطایی نابخشودنی و ضمان‌آور است؛ همان‌گونه که تجاوز از حکم قانون و مجروح ساختن دیگری ضمان‌آور است، بی‌اعتنایی به فرمان در احترام به قرارداد نیز ایجاد مسئولیت می‌کند. بنابراین، در هر دو مسئولیت تقصیر و سرپیچی از قانون وجود دارد. با این تفاوت که یکی سرپیچی مستقیم است و دیگری تجاوز با واسطه.» (کاتوزیان، ۱۳۷۶، ص ۱۴۷)

حقوق دانانی که معتقد به وجود عنصر تقصیر در حقوق ایران‌اند را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد، اول کسانی که معتقدند صرف نقض، تقصیر محسوب می‌گردد و دیگر متعهد له نیازی به اثبات تقصیر وی ندارد. در مقابل، عده‌ای معتقدند که نقض عهد اماره تقصیر است و در واقع در این دیدگاه متعهد با اثبات عدم تقصیر می‌تواند از مسئولیت معاف گردد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۲، ص ۲۲۸ و شهیدی، ۱۳۸۲، ص ۶۳)^{۱۲}

استدلال این گروه به مواد ۲۲۷ و ۲۲۹ قانون مدنی است و می‌گویند از این مواد بر می‌آید که در حقوق ایران عدم انجام تعهد تقصیر است و نه اماره بر تقصیر زیرا این مواد صرف عدم انجام تعهد را موجب مسئولیت می‌داند و مسئولیت را تنها با اثبات فورس مازور و حادثه خارجی قابل رفع می‌داند؛ در حالی که اگر نقض عهد اماره بر تقصیر می‌بود، صرف اثبات عدم تقصیر باید موجب معافیت از تقصیر می‌شد. (کاتوزیان، ۱۳۷۶، ص ۷۷۸)

اما برخی از حقوق دانان معتقدند نقض عهد، اماره تقصیر است و نه خود تقصیر. بر اساس این نظریه هرگاه متعهد اثبات نماید که تقصیری در عدم انجام تعهد نداشته از مسئولیت مبرا است، زیرا اماره خلاف ناپذیر نیست و اثبات عدم آن ممکن است.^{۱۳}

استدلال آن‌ها به برخی مواد قانون مدنی از جمله ماده ۲۲۱ قانون مدنی است که بیان می‌دارد:

«اگر کسی تعهد به اقدام به امری بکند یا تعهد نماید که از انجام امری خودداری نماید، در صورت تخلف، مسؤول خسارت طرف مقابل است؛ مشروط بر این‌که جبران خسارت تصریح شده و یا تعهد عرفاً به منزله تصریح باشد و یا بر حسب قانون موجب ضمان باشد.»

گفته شده، با توجه به قیودی که در ماده ۲۲۱ وجود دارد، شرط مسئولیت تصریح در عقد یا حکم عرف یا قانون است، پس اگر عدم اجرای تعهد قراردادی تقصیر بود، چه نیازی به این قیود و شروط بود. بنابراین، معلوم می‌شود ماده ۲۲۱

قانون مدنی نقض عهد را اماره تقصیر می‌داند و نه خود تقصیر. در جواب برخی گفته‌اند: مراد از عرف در این ماده را می‌توان به نحوی عام تفسیر کرد و در واقع می‌توان هر عمل خلاف احتیاط و مراقبت را عرفاً باعث مسئولیت دانست. بنابراین، نقض عهد نیز عرفاً تقصیر است، پس باید گفت ماده ۲۲۱ ناظر به این است که صرف نقض عهد تقصیر است و نه اماره بر تقصیر (حائری شاهباغ، ۱۳۵۶، ص ۲۰۰) ^{۱۵۱۴}

۲-۲-۱- مخالفین اعتبار تقصیر

این عده معتقدند، قانون مدنی به پیروی از فقه امامیه نگاشته شده است و حتی در مسئولیت قهری و در اتلاف و تسبیب، تقصیر شرط نیست و تنها چیزی که شرط است وجود رابطه سببیت و یا انتساب فعل به مسبب است و آنچه به عنوان «تقصیر» تصور شده است، در واقع برای احراز رابطه سببیت است و در تسبیب نیز مثل اتلاف مسئولیت موضوعی است. (جوان، ۱۳۲۶، صص ۲۹۱ و ۳۲۸)

در مسئولیت قراردادی نیز معتقدند، همین که بتوان عدم اجرای عقد را مربوط به متعهد نمود، مسئولیت وی محقق است، اعم از این که عمل وی از روی عمد یا خطا باشد؛ (عدل، ۱۳۷۵، صص ۱۳۴ و ۱۳۵)

برای بررسی بیشتر در ادامه مسأله را در فقه و حقوق ایران بررسی می‌کنیم:

الف - در فقه

برخی معتقدند در فقه چه در مسئولیت قراردادی و چه قهری تقصیر شرط نیست، استدلال‌ات ایشان به شرح زیر است:

«در هیچ آیه‌ای از قرآن یا روایتی از طرق عامه و خاصه و در هیچ تألیفی از فقهاء عاملی به نام «تقصیر» یا مفهومی شبیه به آن شرط مسئولیت یا از مقومات آن مطرح نشده است؛ در باب اتلاف و تسبیب و در زمینه‌های دیگر آنچه به عنوان «عدوان» در برخی نوشته‌های فقهی دیده می‌شود، تنها به عنوان رابطه سببیت است و نه به عنوان مبنای مسئولیت. همچنان که برخی از فقهاء معتقدند آنچه مهم است ورود ضرر است نه نامشروع بودن تصرف، و لزوم «عدوانی» بودن کار مسبب نیز به

لحاظ احراز رابطه علیت میان کار و ایجاد ضرر است.» (نقل از بهرامی، ۱۳۷۸، ص ۳۵)

بنابراین، اشاره به تقصیر در پاره‌ای از فروع از باب لزوم آن در تحقق رابطه سببیت است که به عنوان مبنا یا یکی از شرایط مستقل در مسئولیت مدنی مطرح شده است. (صفایی، ۱۳۸۵ ص ۲۵۰؛ ابن ادریس حلی، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۴۶۳) ^{۱۶ و ۱۷ و ۱۸} دلیل اصلی آن‌ها نیز اطلاق روایاتی است که درباره ضامن بودن اجیر وارد شده است. در این روایات آمده است که: «هر کارگری که به او اجرت پرداخت می‌شود تا تعمیر یا اصلاح کند، ولی او به جای اصلاح و تعمیر یا انجام دادن کار، کالای تحویلی را معیوب تحویل دهد، ضامن خواهد بود.» ^{۱۹}

همچنین در مورد رنگری که جامه‌ای را برای رنگری تحویل گرفته و آن را خراب کرده بود، امام صادق علیه السلام در پاسخ قاعده عام مطرح کرده که بر اساس آن هرگاه یک طرف اجرت پرداخت کند یا تعهد به پرداخت آن را نماید و طرف دیگر تعهد کند تا بر روی کالای تحویلی کاری انجام دهد و به جای انجام دادن کار یا اصلاح و تعمیر، کالا را خراب کرده و بازگرداند، ضامن خواهد بود. (حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۹، ص ۱۴۷)

البته در خصوص نقش تقصیر در مسئولیت از دید و منظر فقهی، اگرچه تقصیر را نمی‌توان به عنوان مبنا در مسئولیت شناخت، لیکن در خسارت ناشی از تسبیب به عنوان مکمل در کنار تسبیب قرار گرفته و البته اهمیت آن به خاطر احراز رابطه سببیت عرفی است و همان‌طور که برخی فقها گفته‌اند، تسبیب نیز نوعی اتلاف است، منت‌ها اتلاف با واسطه، حال برای صدق عنوان اتلاف نیاز به عنصری است به عنوان تقصیر که فقهاء از آن به عنوان تعدی و تفریط یا عدوان نام برده‌اند. در واقع تعدی یا تفریط خود موضوعیت ندارد، بلکه برای احراز رابطه سببیت است.

در خصوص تفاوت بین مسئولیت قهری و قراردادی در مسأله تقصیر برخی معتقدند که ادله ضمان نسبت به مسئولیت قراردادی بسی فراتر از اتلاف و تسبیب

و تقصیر است و در کلام فقهاء در مسئولیت قراردادی تقصیر شرط نیست. پس از لحاظ مبنا با مسئولیت قهری متفاوت است، زیرا در آن لاجرم باید عنوان اتلاف صادق باشد. (وحدتی شبیری، ۱۳۸۵، ص ۱۸۵) البته چنانکه دیدیم در فروعی که ذکر شده در مسئولیت مدنی قراردادی نیاز به احراز تقصیر نیست، ولی آیا این بدان معناست که در فقه امامیه مسئولیت قهری جدا از مسئولیت قراردادی است؟ از آنچه گشت نتیجه می‌شود که فقهای امامیه در ابواب گوناگون معاملات به ضمانت اجرای تخلف از اجرای تعهد پرداخته‌اند و بسیاری از ایشان مبنای مسئولیت قراردادی را همان مبنای مسئولیت قهری می‌دانند و مسئولیت متعهد قراردادی را در صورت تلف و ایجاد خسارت مصداقی از اتلاف و تسبیب یا علی‌الد شدمرده‌اند.

بنابراین، از دید فقهاء مسئولیت قراردادی در کنار اتلاف و تسبیب نمی‌تواند به طور مستقل از موجبات ضمان به شمار آید، بلکه در دل قواعد اتلاف و تسبیب جای می‌گیرد.

ب- در حقوق ایران

برخی معتقدند صرف نظر از قانون مسئولیت مدنی (مصوب ۱۳۳۹) در قانون مدنی ایران تقصیر اعتباری ندارد، زیرا هر نظام حقوقی، از جمله نظام حقوقی اسلام را باید همان‌طور که هست شناخت و آن را نباید با مقیاس‌ها و مفاهیم وارداتی غربی مخلوط کرد و در نتیجه حتی اگر فرض کنیم که «تقصیر» در گره‌گشایی برخی مشکلات مفید است و بر برخی راه‌حل‌های حقوق اسلام منطبق است. این امر به معنای پذیرش تقصیر به عنوان مبنا نیست.

از طرفی امروز در خود غرب، تقصیر دچار تحول شده و مفهوم قدیمی تقصیر که یادگار دوران وحدت مسئولیت کیفری و مدنی بود، کهنه گشته و امروزه ضرورتی ناشی از تحولات اجتماعی، تقصیر را از مفهوم خود تهی ساخته است و پیروی ما از مفهوم تقصیر یا باید بر اساس تغییرات روز به روز دکترین آن‌ها باشد و

یا پیرو نظریه سنتی تقصیر که این نظریه نیز امروز در خود غرب مهجور مانده است.

در واقع استثنائات تقصیر چنان زیاد شده است که امروزه جز نامی از آن باقی نمانده است. (بهرامی، ۱۳۷۸، ص ۳۵)

برخی تقصیر را در مسئولیت قراردادی شرط نمی‌دانند و معتقدند متخلف از اجرای تعهد دارای مسئولیت است و این مسئولیت مبتنی بر تقصیر نیست و به مجرد این‌که نتواند قوه قاهره را به اثبات رساند، محکوم به پرداخت خسارت می‌شود، ایشان ماده ۲۲۷ ق.م را مؤید نظر خویش می‌دانند. (عدل، ۱۳۷۳، ص ۱۳۴)

اما می‌دانیم که قانون مسئولیت مدنی به طور کلی (چه در مسئولیت قراردادی و چه مسئولیت قهری) تقصیر را مبنای مسئولیت قرارداده است و این نظریه را به صراحت پذیرفته است. بنابراین در جمع مقررات قانون مدنی و قانون مسئولیت مدنی می‌توان گفت ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی عام و قانون مدنی خاص است و عام نمی‌تواند ناسخ خاص باشد. (صفایی، ۱۳۸۵، ص ۲۵۰)

به هر روی حتی اگر تقصیر در حقوق ایران پذیرفته شده باشد، در هر دو مسئولیت (قراردادی و قهری) جاری است زیرا در مقررات قانون مسئولیت مدنی تفکیکی بین مسئولیت قراردادی و قهری نشده است.

۲- جمع‌بندی و ارائه ضابطه

۲-۱- جمع‌بندی

اگرچه در حقوق فرانسه تقصیر به عنوان یکی از پایه‌های مهم مسئولیت شناخته شده است، لیکن به نظر می‌رسد در حقوق کنونی ایران، تقصیر تنها مبنای مسئولیت نیست، بلکه تنها در زمینه ماده یک قانون مسئولیت مدنی، مسئولیت مبتنی بر تقصیر است. در حقوق ایران نمی‌توان مبنای واحدی را به عنوان مبنای منحصر به فرد در مسئولیت مدنی معرفی کرد؛ زیرا فقیهان و حقوق‌دانان در هر مورد حسب نیازها و مقتضیات دست به تأسیس قاعده‌ای زده‌اند. حقوق موضوعه

ایران نیز تا حدودی وفق این اصول و مبانی تدوین شده است؛ چنان‌که دیدیم امروزه قانون‌گذاران چه در فرانسه و کشورهای اروپایی و چه در ایران، مسئولیت‌های مطلق و بدون تقصیر را افزایش داده‌اند و در عوض دامنۀ مسئولیت‌های مبنی بر تقصیر کاهش پیدا کرده است؛ همچنان‌که در حقوق ایران مسئولیت اتلاف‌کننده و دارنده اتومبیل و غاصب و... بر مبنای تقصیر نیست و تفاوتی در مسئولیت قراردادی و خارج از قرارداد وجود ندارد.

در این‌گونه خسارات، زیان‌دیده می‌تواند بدون اثبات تقصیر، انتساب زیان‌ها را به فاعل زیان و رابطه سببیت بین عمل عامل و زیان‌های وارده را ثابت کند و جبران خسارات وارده را بخواهد، اما در مسئولیت‌های مبتنی بر تقصیر؛ (به طور مثال ماده یک قانون مسئولیت مدنی، مواد ۳۳۱، ۳۳۳، ۳۳۴ قانون مدنی و مواد ۳۳۶ و ۳۵۷ و ۳۵۸ و ۳۵۹ قانون مجازات اسلامی) زیان‌دیده زمانی می‌تواند از خواندۀ دعوی، مطالبۀ خسارت کند که تقصیر او را اثبات کند.

در عمل، اثبات تقصیر قراردادی به مراتب آسان‌تر از تقصیر قهری است، زیرا اثبات عدم اجرای تعهد تقصیر یا اماره بر تقصیر است و موجب مسئولیت متعهد می‌گردد، لیکن هرگاه قانون انجام دادن کاری مشخص را بر عهده اشخاص قرار دهد و از آن‌ها نتیجه معینی را بخواهد (تعهد به نتیجه) در این صورت صرف انجام نشدن آن کار و عدم حصول آن نتیجه، تقصیر است و زیان‌دیده می‌تواند با اثبات عدم حصول نتیجه زیان‌های خویش را مطالبه کند.

اگرچه بیشتر تعهدات غیر قراردادی و قهری ناظر به خویش‌داری از بی‌مبالاتی و بی‌احتیاطی‌اند، لیکن تمامی آن‌ها این‌چنین نیستند. بنابراین باید تعهدات به وسیله و نتیجه را شناخت، در تعهد به وسیله، اصولاً اثبات تقصیر با متعهد له است؛ زیرا او مدعی است و باید ادعایش را ثابت کند، لیکن هرگاه طبع کار متعهد انجام دادن کار به صورت قطعی باشد، اثبات عدم تقصیر در صورت عدم انجام بر عهده متعهد است. (قاسم‌زاده، ۱۳۸۳، ص ۳۴۹) برای مثال هرگاه اختلاف شود که آیا وکیل دادخواست داده است یا نه اثبات با مدعی؛ یعنی وکیل است، اما اگر تعهد

خودداری از عمل باشد، متعهد له باید دلیل آورد که متعهد نقض عهد کرده است و این تفاوت ریشه در قراردادی یا خارج قرارداد بودن تعهد ندارد، بلکه به خاطر طبع تعهد است که نوعی خودداری است، در این گونه تعهدها، تعهد خواه ناشی از قرارداد باشد یا خارج از قرارداد، متعهد له باید ادعای خود را ثابت کند، برعکس در تعهدهایی که موضوع آنها انجام دادن کار معین است، متعهد باید انجام دادن آن را ثابت کند.

بنابراین در قراردادها و در الزامات خارج از قرارداد، هرگاه تعهد به نتیجه معینی شده باشد و آن نتیجه محقق نشود، متعهد باید خسارت زیان دیده را جبران کند و اثبات بی تقصیری با متعهد است و در برخی موارد حتی با اثبات بی تقصیری از مسئولیت نمی رهد. همچنین باید توجه داشت که هرگاه آن تعهد، فعل مثبت یا انتقال مال باشد، متعهد باید ادعای خود را ثابت کند؛ زیرا او مدعی ایفاء تعهد است، اما هرگاه آن تعهد، ترک فعل یا انجام ندادن کاری باشد، مقتضای اصل عدم آن است که متعهد برخلاف تعهد عمل نکرده است؛ پس متعهد له، که خلاف آن را می گوید، مدعی است و باید ادعای خود را ثابت کند. (السنهوری، بی تا، ص ۵۷۱)

بنابراین در مسئولیت قراردادی و خارج از قرارداد، تقصیر نمی تواند به عنوان عامل ممیزه باشد، چنان که برخی گفته اند: «ملاک و ضابطه در تحمل بار دلیل، ربطی به مسئولیت قراردادی و خارج از قرارداد ندارد، بلکه به تعهد سابق بر می گردد که آیا مثبت (ایجابی) است یا منفی (سلبی)». (السنهوری، بی تا، ص ۵۷۱)^{۲۰}

۲-۲-۲- ارائه ضابطه

برای طرح ضابطه ای معین برای مسأله، به نظر می رسد باید تعهدات قراردادی و خارج قرارداد را از زاویه تعهدات به نتیجه و تعهدات به وسیله دید. اگر تعهد به نتیجه باشد، تنها کافی است عدم حصول نتیجه وعده داده شده توسط متعهد له اثبات شود و متعهد تنها در صورت اثبات خارجی بودن سبب می تواند از مسئولیت برهد، در حالی که اگر تعهد به وسیله باشد، متعهد کافی است ثابت کند که وسایل مناسب برای دستیابی به نتیجه مورد نظر متعهد له را به کار برده است؛

مانند وکیلی که تعهد می‌کند از موکلش دفاع نماید. در این فرض بار اثبات تقصیر بر عهده متعهد له است. (Mazeaud, 1985, n.721)

یکی از ضوابط شناخت تعهدات به نتیجه و تعهدات به وسیله، ضابطه موضوع تعهد است؛ بر اساس این تقسیم‌بندی که به ظاهر ابتدا توسط دوموگ مطرح شده، تعهدات را باید بر اساس موضوع آن تقسیم کرد؛ به عبارت دیگر باید دید چه چیزی توسط متعهد وعده داده شده است، و متعهد له، چه انتظار معقولی از قرارداد داشته است. (ژوردن، ۱۳۸۲، ص ۶۳)

در نتیجه هرگاه تعهد به نتیجه باشد، تقصیر متعهد در عدم انجام قرارداد مفروض است و متعهد له نیازی به اثبات آن ندارد؛ ولی در تعهد به وسیله بار اثبات تقصیر بر دوش متعهد قرارداد نیست و متعهد له برای اثبات مسئولیت باید تقصیر متعهد را اثبات کند، البته این عمومیت ندارد و تعهدات قراردادی مساوی با تعهدات به نتیجه نیستند (Carbonnier, n.156, Et 291) معیار دیگری که برای شناخت تعهدات به نتیجه و تعهدات به وسیله، مطرح شده معیار اراده است. بر اساس این نظر باید در تعهد قراردادی به قصد طرفین پی برد. هرگاه در تعهد قراردادی متعهد و متعهد له نتیجه را قصد کنند، تعهد به نتیجه است، ولی هرگاه متعهد تنها متعهد به سعی و تلاش بر اساس احتیاط باشد، تعهد به وسیله است. (Mazeaud, 1985, p.15) زیرا این خود متعاقدين هستند که محتوای تعهداتشان را تعیین می‌کنند. بنابراین، اراده طرفین نخستین و بهترین معیار تفکیک است، البته برخی انتقاد می‌کنند که اراده همیشه ابراز نمی‌شود، از طرفی بر اساس این نظر همواره برای تعیین محتوای تعهد باید به آنچه طرفین قصد کرده‌اند، مراجعه کرد و این ظاهر فریبنده ما را از محتوای واقعی عقد دور می‌سازد. بنابراین، باید تفکیک تعهدات به وسیله و تعهدات به نتیجه را حذف کنیم، زیرا از نظر منطقی دوری بی‌حاصل است که منتهی به نتیجه مشخصی نمی‌شود. (شهیدی، ۱۳۸۲، ص ۲۱۲)^{۲۱}

انتقادات دیگری نیز بر اصل مسأله تفکیک تعهدات به نتیجه و وسیله انجام شده است، اما علی‌رغم این انتقادات می‌توان بر اساس مبنای صحیح بر تعهدات به

وسیله و تعهدات به نتیجه تأکید کرد و از آن جهت اثبات مسئولیت متعهد استفاده کرد، و در این باره تفاوتی نمی‌کند که مسئولیت قراردادی یا خارج از قرارداد باشد، بلکه چنان‌که اشاره شد، بسته به ماهیت تعهد است. بالأخره حتی اگر ضابطه موضوع تعهد را نپذیریم و یا انتقاداتی به ضابطه اراده داشته باشیم، باز نمی‌توانیم ملاک تقصیر را در تعیین بار اثبات در مسئولیت‌ها بپذیریم، بلکه چنان‌که اشاره کردیم ملاک در بار اثبات تعهد به نتیجه و تعهد به وسیله است و در این باب تفاوتی نمی‌کند که مسئولیت قراردادی باشد یا خارج از قرارداد، زیرا گاه مسئولیت قراردادی است و در عین حال باید در صورت نقض تعهد تقصیر متعهد را ثابت کرد؛ مثل تعهد امین، و گاه مسئولیت خارج از قرارداد است و نیازی به اثبات تقصیر نیست؛ مثل تعهد پزشک (در حقوق ایران). بنابراین تقصیر نمی‌تواند به عنوان تفاوت بین دو مسئولیت مطرح باشد، بلکه ملاک و ضابطه تعهد به نتیجه و تعهد به وسیله است.

1-Bergé(J.): "La responsabilité professionnelle du fait personnel: de la déloyauté au parasitisme" in *rente*, Petites offices 11 juill. 2001, p. 70 et s.
 - Delebecque(Ph.), L'évolution de la responsabilité en france, Europa e directo privato. 1999/2, p. 389.
 - Lambert(F.), L'évolution de la responsabilité à une créance d'indemnisation•RTD. Civ. 1981, cité par Le tourneau(P.), 2001-2., p.30.

- ۲- در این رأی دیوان عالی پذیرفته که طرف قرارداد علی‌رغم این‌که عملش تقصیرآمیز نبوده، خسارت طرف قرارداد را جبران نماید.
- ۳ - تقصیر مصدر عربی، از ریشه قصر یقصر است که در فارسی به معنای سستی کردن، کوتاهی کردن، همچنین در نقطه مقابل «توفیر» استعمال شده است. لغتنامه دهخدا، ذیل واژه تقصیر.
- ۴ - ایشان ضمن تعریف تعدی و تفریط از اصطلاح تقصیر و تجاوز هم استفاده کرده و به معرفی آن‌ها پرداخته است.
- در قانون مدنی تقصیر اعم است از تعدی و تفریط برابر مواد ۹۵۱ و ۹۵۲ قانون مدنی تعدی انجام عملی است که شخص، نمی‌بایست مرتکب شود و تفریط ترک عملی است که شخص، می‌بایست انجام دهد.
- ۵ - از دیگر شارحان قانون مدنی ابتکار خاصی یا گفته جدیدی به چشم نمی‌خورد، جز آن‌که به ضابطه عرفی تقصیر با تعبیر عادتاً یا متعارف و معمول به اجمال اشاره کرده‌اند.
- ۶ - «فالعبرة فی الضمان و عدمه انما هی تفریط المالك و عدمه من أن الضمان و عدمه فی امثال الموارد یدوران مدار التفریط و عدمه».
- ۷ و ۸ - در عقد اجاره اگر شخصی حیوانی را برای حمل بار اجاره نماید و بیش از مقدار معین شده در عقد بر آن حمل کند، نسبت به مقدار اضافی باید اجاره‌المثل را بپردازد و اگر به حیوان آسیبی برسد به دلیل تقصیر، مستأجر ضامن خواهد بود.
- چنان‌که در اجاره اعیان نیز، عین مستأجره در دست مستأجر امانت است و در صورت تعدی و تفریط وی، ضامن مثل یا قیمت آن می‌باشد. (حکیم، ۱۴۱۶، ص ۷۸)

در عقد ودیعه اگر مستودع در نگهداری مال کوتاهی و تعدی نماید، ضامن مال است، هرچند تلف مستند به فعل او نباشد؛ به طور مثال اگر در تغذیه حیوان خودداری کند و حیوان تلف گردد، وی ضامن است. (نجفی، ۱۳۶۵، ص ۱۲۸) ایشان می گوید: «الامر الثانی فی موجبات الضمان و ینظمها قسما: التفریط و التعدی بل قسم واحد و هو التقصیر.»

۹ - محقق ثانی در مقام استدلال برای ضمان صنعتگر، باربر و ملاح چنین می گوید: «النص و الاجماع فی ذلک سواء أقصر أم لا، لأن اتلاف مال الغير لغير حق و لا اذن لا یسقط وجوب ضمانه عدم التقصیر فی حفظه» - صاحب جواهر در موارد بالا و هم در مسئولیت پزشک می گوید: «کل ذلک مضافاً الی سببیه الاتلاف الضمان.» (نجفی، ۱۳۶۵، ص ۳۲۳) - صاحب عروه در باب ضمان باربر بر اثر لغزش و سقوط کالا به قاعده اتلاف استناد می کند. (طباطبایی یزدی، بی تا، ص ۶۰۲، مسأله ۵) - مرحوم خویی نیز برای ضمان طبیب به قاعده اتلاف استناد می کند. (خویی، بی تا، ص ۲۴۷)

۱۰ - بنابراین، همان طور که بعضی از اساتید حقوق گفته اند، مبنای مسئولیت مدنی در تسبیب نیز از نظر فقه بر مبنای تقصیر نیست، زیرا تقصیر (به مفهوم شخصی) فرع بر وجود اراده و درک و تمیز است و صغیر غیر ممیز و مجنون را نمی توان مقصر محسوب داشت. در حالی که ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی صغیر غیر ممیز و مجنون را مسؤول دانسته است. بنابراین، دلیل قاطعی بر این که در فقه و قانون مدنی از نظر مبنای مسئولیت، تفاوتی بین اتلاف و تسبیب وجود داشته باشد، نیست؛ بلکه تقصیر بدین لحاظ شرط شده است که بدون تقصیر رابطه سببیت عرفی بین عمل شخص و خسارت وارده تحقق پیدا نمی کند. (صفایی، ۱۳۷۵، ص ۲۴۸)

۱۱ - «کل من آجر نفسه لعمل فی مال المستأجر اذا أفسده یكون ضامناً... لعموم من أتلّف مال الغير فهو ضامن...»

۱۲ - ایشان در جای دیگر تقصیر متعهد در تخلف را مفروض می داند؛ یعنی بار دلیل بر دوش متعهد قرار دارد و باید برای رهایی خود از مسئولیت، وجود مانع خارج از اراده را اثبات کند. (صفایی، ۱۳۸۵، ص ۶۶)

۱۳- می‌دانیم در مورد تعهدات و مسئولیت‌ها در عقود امانی مثل اجاره عاریه و... ید امان، در هنگام وقوع عقد، ید امانی بوده است و فقط در صورت تعهدی و تفریط منقلب به ید ضمانی و مسئولیت می‌گردد و چون متعهد له که علیه امان طرح دعوی می‌کند، به طور ضمنی مدعی است که ید امانی امان، منقلب به ید ضمانی شده باید دلیل این امر را اثبات کند. حال سؤال این است که چرا چنین استثنایی (در مورد عقود امانی) در مقررات ایران وارد شده است؟ برخی در جواب گفته‌اند کسی که دیگری را حسن ظاهر امر و عرف و عادت، امان بر مال خود قرار می‌دهد و به امانت و وثاقت او اعتماد دارد؛ یعنی تشخیص داده است که وی اهل تعدی و تفریط نیست، بنابراین نمی‌تواند به خود حق بدهد که فرد مورد اعتماد خود را متهم به خیانت نماید و چون در فقه و حقوق این ظاهر است؛ یعنی ظاهر این است که شخص مورد اعتماد صاحب مال تعدی و تفریط نمی‌کند، این ظاهر بر اصل مقدم است و اصل این است که مواظبت و مراقب صورت نگرفته است، از طرفی، در برخی از عقود امانی مثل ودیعه مبتنی بر احسان است و از این جهت نیز نباید امان مسئولیت داشته باشد، جز با اثبات تعدی و تفریط (ما علی المحسنین من سیل). (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۲، ص ۶) برخی در مقام جمع بین مقررات عقود تعهدات به طور کلی و مقررات مربوط به عقود معین امانی که قانون آن را استثناء کرده است و طبق قاعده ائتمان، امان در صورت تلف و نقص مال مورد تصرف مقصر و مسؤول نیست، مگر تعدی یا تفریط او اثبات گردد. (نجفی، ۱۳۶۵، ج ۹، ص ۵۷۷)

بنابراین، در عقود امانی مثل وکالت یا اجاره اشخاص، در صورت وقوع تخلف قراردادی وکیل و اجیر را نمی‌توان مسؤول دانست، مگر این‌که سببیت عامل تقصیر ایشان اثبات گردد؛ اما در یک قرارداد غیر معین مانند مورد ماده ۱۰ ق.م در صورت عدم انجام تعهد مسؤول است، مگر این‌که سببیت عامل غیر ارادی متعهد اثبات گردد. (شهیدی، ۱۳۷۰ ص ۳۴۶)

۱۴ و ۱۵ - استدلال دیگر ایشان در اماره بودن تقصیر، مواد مربوط به عقود امانی است، به طور مثال، بر اساس ماده ۶۱۴ قانون مدنی امان، ضامن تلف یا نقصان مال نیست، مگر در صورت تعدی و تفریط، و در واقع صاحب مال باید دلیل آورد که امان تقصیر کرده است و این امر نشان می‌دهد که صرف عدم انجام تعهد مسئولیتی ایجاد نمی‌کند، بلکه تقصیر

وی نیز باید ثابت گردد؛ زیرا امانی بودن تصرفات اشخاص متصرف در مال دیگران به مناسبت عقود امانی نظیر تعمیرکار، اجیر و وکیل ملازمه با بی تقصیری ایشان در تخلف از انجام تعهد و عدم مسئولیت ایشان ندارد؛ به طور مثال در این مسأله که هرگاه صنعتگر و کشتیران و حمل کننده کالا، مدعی تلف کالا شود، آیا ادعای او بدون دلیل پذیرفته می شود، قول اقوی و مشهور فقها این است که اشخاص باید برای اثبات ادعای خود، بینه اقامه کنند.

«المسألة الثانية اذ ادعى الصانع او الملاح او المكارى هلاك امتاع من غير نقد و لا تفریط و انكر المالك كلفوا البينة على ذلك و مع فقدها يلزمهم الضمان على المشهور كافي المسالك بل عن المرتضى دعوى انه اجماعنا و من منفرداتنا». (نجفی، ۱۳۶۵، ج ۹، ص ۷۳۷)

۱۶- از طرفی در فقه فروعی به چشم می خورد که در آن ها مسئولیت به طور مطلق برقرار شده و در آن ها سخنی از تقصیر به میان نیامده است. برخی از این فروع به شرح زیر است:

الف- در مورد پزشک و دامپزشک، فقه امامیه مسئولیت آن ها را مشروط به اثبات تقصیر ندانسته و به طور کلی برای آن ها مسئولیت برقرار کرده است.^{۱۶} با توجه به این که به طور معمول میان بیمار و پزشک یا صاحب حیوان و دامپزشک قبل از اقدام به معالجه یک رابطه قراردادی برقرار می شود و ناکامی پزشک در معالجه بیمار به نوعی انجام ندادن تعهد به شمار می رود، می توان مسئولیت پزشک را مصداقی از مسئولیت قراردادی دانست. در برخی روایات نیز برای طبیب و بیطار مسئولیت مطلق برقرار کرده اند.

ج- در مورد لباس شوی و باربر نیز روایاتی وجود دارد که نشان از مسئولیت مطلق آنان داشته و تقصیر را شرط ندانسته است. فقها اجیر (ساریان، ملاح و غیر این ها) را در صورتی که خسارتی به بار آورد، مسؤول دانسته اند. (نجفی، ۱۳۶۵، ج ۲۷، ص ۳۲۲) ایشان به عده ای از فقها نسبت می دهد که آنان ادعای اجماع کرده اند.

۱۷- «من تطیب أو تبیطر فليأخذ البراءة من وليه و الا فهو ضامن». (حرعاملی، ۱۴۱۴، ج ۲۹، ص ۲۶۹۰، حدیث ۳۵۵۸۲)

۱۸- «إذا عسر الحمال فسقط ما كان على رأسه أو ظهره ضمن لقاعدة الائتلاف» (طباطبایی یزدی، بی تا، ج ۲، ص ۶۰۳) این حکم در عبارت محقق ثانی هم آمده است، ولی فقیهان بر

محقق اشکال گرفته‌اند که مورد از مصادیق اتلاف نیست، بلکه ید اجیر امانی است و اگر تقصیر نداشته باشد، ضامن نخواهد بود.

۱۹ - «کل عامل اعطیته اجراً لیصلح فافسد فهو ضامن.» (ابواب احکام اجاره، باب ۲۹، حدیث ۲۴۳۵)

۲۰ - «فالعبرة اذن فیمن یحمل عبء الایثبات، لا بنوع المسؤولية هل هی عقدیة او تقصیریة، بل بالالتزام السابق هل هو ایجابی أو سلبی.» (السنهوری، بی تا، ش ۵۱۱، ص ۷۵۱)

۲۱ - دکتر شهیدی معتقدند تفکیک بین تعهد به وسیله و نتیجه مبتنی بر تحلیل مبنای خاص حقوقی نیست و تفکیکی بی‌فایده است. این دو عنوان موجب تفاوت آثار حقوقی نیست، بلکه تفاوت در ماهیت تعهد است، ماهیت تعهد تعیین‌کننده حدود آن است. در این زمینه باید دید موضوع تعهد، ماهیتی است که به وسیله آن می‌توان به امر دیگری دست یافت و یا این‌که موضوع اصلی تعهد است و خود تعهد، اصل مطلوب است.

ایشان معتقدند وسیله یا نتیجه بودن موضوع تعهد تأثیری در تعیین طرف تحمل‌کننده بار دلیل ندارد، بلکه در صورت عدم انجام تعهد یا تأخیر یا اجرای بد، متعهد مسؤول است، مگر این‌که بی‌تقصیری خود را اثبات کند و باید با تشخیص ماهیت و ذات تعهد به آن پی برد. (شهیدی، ۱۳۸۲، ص ۲۱۲)

منابع

کتب فارسی

۱. امامی، سید حسین (۱۳۵۱)، *حقوق مدنی*، تهران: انتشارات اسلامیة.
۲. بهرامی احمدی، حمید (۱۳۸۲)، *کلیات عقود و قراردادها*، تهران: میزان.
۳. پاشا صالح، علی (۱۳۴۸)، *سرگذشت قانون، مباحثی از تاریخ حقوق*، تهران: دانشگاه تهران.
۴. جعفری لنگرودی، جعفر (۱۳۸۲)، *حقوق تعهدات حقوق مدنی*، تهران: گنج دانش.
۵. حائری، شاهباغ، سید علی (۱۳۷۶)، *شرح قانون مدنی*، تهران: گنج دانش.
۶. رنه داوید و کامی ژوفره اسپینوزی (۱۳۷۶)، *ترجمه و تلخیص سید حسین صفایی*، تهران: دادگستر.
۷. ژان ژاک روسو، *قرارداد اجتماعی*، ترجمه حسین زیرک زاده، تهران: انتشارات شرکت کام چهر.
۸. ژوردن، پاتریس (۱۳۸۲)، *اصول مسئولیت مدنی*، ترجمه و تحقیق مجید ادیب، تهران: نشر میزان.
۹. شهیدی، مهدی (۱۳۸۲)، *آثار قراردادها و تعهدات*، تهران: مجد.
۱۰. شهیدی، مهدی (۱۳۷۰)، *سقوط تعهدات*، تهران: مرکز چاپ و انتشار شهید بهشتی.
۱۱. صفایی، سید حسین (۱۳۷۵)، *حقوق مدنی و تطبیقی*، تهران: نشر میزان.
۱۲. صفایی، سید حسین (۱۳۸۵)، *دوره مقدماتی حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها*، تهران: نشریه مؤسسه عالی حسابداری.
۱۳. عدل، مصطفی (۱۳۷۳)، *حقوق مدنی*، به کوشش محمد رضا بندرچی، قزوین: بحر العلوم.
۱۴. قاسم زاده (۱۳۸۳)، *مرتضی، حقوق مدنی: اصول قراردادها و تعهدات نظری و کاربردی*، تهران: دادگستر.

۱۵. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۴)، حقوق مدنی، الزام‌های خارج از قرارداد، ضمان قهری، تهران: دانشگاه تهران.
۱۶. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۶)، قواعد عمومی قراردادها، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۷. لوراسا، میشل (۱۳۷۵)، مسئولیت مدنی، ترجمه محمد اشتری، تهران: گستر.
۱۸. منصور الملک (منصور) علی (۱۳۳۹)، تاریخ قانون و حکومت، تهران، دانشکده علوم و معقول و منقول.
۱۹. وحدتی شبیری، سید حسن (۱۳۸۵)، مبانی مسئولیت مدنی قراردادی، تهران: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

مقالات

۱. صفایی، سید حسین (۱۳۵۶)، «مسئولیت مدنی ناشی از فعل زیان‌آور صغیر و مجنون» (مطالعه تطبیقی)، مجله حقوق وزارت دادگستری.
۲. صفایی، سید حسین (۱۳۶۴)، «مفهوم تقصیر سنگین در ارتباط با شرط عدم مسئولیت»، مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی، ش ۴.

جزوات

۱. بهرامی، حمید (۱۳۷۸)، جزوه مسئولیت مدنی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۲. درودیان، حسنعلی (۱۳۶۵)، جزوه مسئولیت مدنی، تهران: انتشارات دانشکده حقوقی، دانشگاه تهران.

فرهنگ‌ها

۱. معین، محمد (۱۳۷۵)، فرهنگ معین، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ج ۱.

کتاب عربی

۱. ابن ادریس حلی (۱۴۱۸)، السرائر، قم: انتشارات اسلامی.
۲. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴)، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، بیروت: موسسه آل البيت (ع)، الاحیاء التراث.
۳. الحسینی العاملی، سید محمد جواد (بی تا)، مفتاح الکرامه فی شرح قواعد علامه، بی نا.
۴. الحسینی المراغی، سید میر عبدالفتاح (۱۴۱۸)، العناوین، عنوان ششم، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۵. الحکیم، سید محسن (۱۴۱۶)، مستمسک العروه، قم: اسماعیلیان.
۶. السنهوری، عبدالرزاق احمد (بی تا)، الوسیط فی شرح القانون المدنی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۷. طباطبائی یزدی، محمد کاظم بن عبدالعظیم (بی تا)، عروه الوثقی، تهران: المکتبه العلمیه الاسلامیه.
۸. کاشف الغطاء، شیخ محمد حسن (۱۳۶۱)، تحریر المجله، قم: مکتبه الفیروزآبادی.
۹. کرکی، علی بن حسین (۱۴۱۴)، جامع المقاصد فی شرح القواعد، بیروت: موسسه آل البيت (ع)، الاحیاء التراث.
۱۰. مطهری، احمد (۱۴۰۱)، مستند تحریر الوسیله، کتاب الدیات، موجبات ضمان، قم: مطبعه الخیام.
۱۱. مکی العاملی، محمد بن جمال الدین (شهید ثانی) (۱۴۰۳)، اللمعه الدمشقیه، بیروت.
۱۲. مکی العاملی، محمد بن جمال الدین، (شهید ثانی) (بی تا)، مسالک الافهام فی شرح شرایع الاسلام، قم: مکتبه بصیرت.
۱۳. موسوی خمینی، روح الله (۱۳۷۵)، استفتائات، قم: انتشارات اسلامی.

۱۴. موسوی خمینی، روح الله (بی تا)، *تحریر الوسیله*، قم: مؤسسه دارالعلم، چاپ مهر.
۱۵. الموسوی الخوئی، سید ابوالقاسم (۱۴۰۹)، *مصباح الاصول*، قم: مکتبه الداوری.
۱۶. الموسوی الخوئی، سید ابوالقاسم (بی تا)، *مصباح الفقاهه*، قم: مؤسسه انصاریان.
۱۷. موسوی بجنوردی، میرزا حسن (۱۳۷۱)، *القواعد الفقهیه*، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۱۸. الموسوی الخوئی، سید ابوالقاسم (۱۳۹۶)، *مبانی تکملة المنهاج*، موجبات ضمان، قم: مطبعة علمیه.
۱۹. نجفی، محمد حسن (۱۳۶۵)، *جواهر الکلام*، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

کتاب لاتین

1. Callé. Catherine, *Encyclopédie juridique Dalloz*, Responsabilité civile, Art. 1382. 1386.
2. Flour. Jacques. Aubert. Jean-lue Saveaux Eri), *Droit civil, Les obligations*, Paris, Dalloz. 1998.
3. Jourdain. Patrice, *Les principes de la responsabilité civile*, 5^e éd, Paris, Dalloz. 2000.
4. Rodière. René, *Définition et domaine de la responsabilité contractuelle*, Paris. 1981.
5. Lambert. Faivre, *L'évolution de la responsabilité civile, D'une dette de responsabilité a une créance d'indemnisation*: RTD. Civ. 1981.
6. Le tourneau. Et Cadiet. Loic(), *Droit de la responsabilité et des contrats*, 1^e édition, Paris, Dalloz. 2002.
7. Le tourneau, Philippe, *La responsabilité civil*, 3^e édition, Paris, Dalloz. 1982.
8. Le tourneau, Philippe(), *Responsabilité en général encyclopédie Juridique, Répertoire de droit civil*, Dalloz. Art, B82. B86. 2001.
9. Malaurie Philippe et Aynés, *Les obligations*, 11^e éd, Paris, Cujas. 2000.

۹۷ تفاوت تقصیر در مسئولیت قراردادی و مسئولیت خارج قرارداد

10. Mazeaud Henri et Léon et Tunc André,, *Traité théorique et pratique de la responsabilité civil délictuelle et contractuelle*, trios tomes, 5^e édition, Montchrestien. 1960
11. Mazeaud, Henri et Léon, Jean, *Leçon de droit Civil, Obligations*, Tome.2. 7^e édition, Volume Première Par François chabas, Paris, Menthriestien. 1985.
12. Planiol, Marcel, Ripert. Gerges, *Traité pratique de droit civil français* Tome.6 Paris. 1930.
13. Saint-Pau. Jean-Christophe Juris-Classeur, *Responsabilité civile*, Art. 1382. 2003.
14. Savatiér. René, *Traité de la responsabilité civil en droit Français*, 2^e édition, Paris. 1951.
15. Starck. Boris, Roland. Henri, Boyer, Laurant , *Obligations*, 4^e édition, Paris, Litée. 1993.
16. Tunc. André, *La Responsabilité civile*, Paris: Economica, 2^e édition. 1990.
17. Viney, Geneviève et Jourdain Paris, *Les effets de la responsabilité* ,2^e édition, Paris, Delta. 2002.
18. Viney. Geneviève(1995), *Introduction à la responsabilité*(sous la direction de Jaques Ghestin) Paris, L. G. D. J.
19. Viney. Geneviève.Jourdain Patrice(1998), *Traité de droit civil, Les conditions de la responsabilité* ,2^e édition, Paris. L. G. D. J.
20. Weill. Alex et Terré ,François(1980), , *Droit civil les obligations* ,3^e édition, Paris, Dalloz.

Articles:

21. Mazeaud,Henri. «Responsabilité délictuelle et resposablite contractuelle. » *RTD*. 1929. P. 551 a 949. www.dalloz.fr.
22. Saveaux, Eric, « La fin de la responsabilité contractuelle » , *RTD*. 1999.

وبگاهها

1. www.dalloz.fr